

دانش و پژوهش در علوم تربیتی - برنامه‌ریزی درسی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)

شماره بیست و چهارم - زمستان ۱۳۸۸

صص

مقایسه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان محبوب و منزوی

مسعود سلیمی^۱

چکیده

هدف از انجام این پژوهش که به روش توصیفی - مقایسه‌ای انجام شده، مقایسه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان محبوب و دانش‌آموزان منزوی بوده است. کلیه دانش‌آموزان پسر سوم راهنمایی ناحیه ۲ شهر شیراز جامعه تحقیق را تشکیل می‌دادند. به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از بین مدارس راهنمایی پسرانه شهر شیراز، ۴ مدرسه به صورت تصادفی انتخاب و به دانش‌آموزان کلاس‌های سوم راهنمایی این مدارس (۴۹۰ نفر) آزمون جامعه‌سنجی داده شد. از دانش‌آموزان خواسته شد که از بین افراد کلاس خود فردی را انتخاب کنند که ترجیح می‌دهند با او بازی کنند یا به گردش بروند. ملاک انتخاب افراد منزوی این بود که هیچ‌کدام از همکلاسی‌ها آنها را انتخاب نکرده باشند. بر همین اساس تمام دانش‌آموزانی که هیچ‌کدام از همکلاسی‌ها آنها را انتخاب نکرده بودند، به‌عنوان افراد منزوی تعیین شدند ($n=36$). به‌منظور داشتن تعداد مساوی برای مقایسه، ۳۶ نفر نیز از دانش‌آموزانی که دارای بالاترین پایگاه جامعه‌سنجی بودند و بیشتر از همه انتخاب شده بودند، به‌عنوان گروه محبوب تعیین

شدند دانش‌آموزان محبوب را حداقل یک چهارم همکلاسی‌ها انتخاب کرده بودند. میانگین مرکب نمره‌های درسی سالهای اول و دوم راهنمایی دانش‌آموزان دو گروه به‌عنوان شاخص پیشرفت تحصیلی در نظر گرفته شد. میانگین نمره‌های درسی دو گروه روش آماری t مستقل مقایسه شدند. نتایج نشان داد که میانگین نمره‌های درسی دانش‌آموزان محبوب به‌طور معناداری از میانگین نمره‌های درسی دانش‌آموزان منزوی بیشتر است ($P < 0/001$). این نتایج نشان می‌دهند که شایستگی‌های اجتماعی و تحصیلی مستقل از یکدیگر نیستند. از این رو ممکن است با افزایش مهارت‌های تحصیلی دانش‌آموزان منزوی، میزان پذیرش اجتماعی آنها نیز افزایش یابد. کلید واژه‌ها: پیشرفت تحصیلی، دانش‌آموزان محبوب، دانش‌آموزان منزوی، جامعه‌سنجی، پذیرش اجتماعی.

مقدمه

در مدرسه و کلاس درس، دانش‌آموزانی وجود دارند که بیشتر از دیگران، از طرف همسالان، برای فعالیتهایی نظیر بازی، درس خواندن، صحبت کردن و دیگر فعالیتهای مشترک، انتخاب می‌شوند. از طرف دیگر دانش‌آموزانی نیز وجود دارند که منزوی هستند و همسالان، تمایلی به انتخاب آنها برای انجام یک فعالیت مشترک ندارند. طرد از طرف همسالان، ممکن است منجر به اختلال (نورثوی و ویگدور^۱، ۱۹۴۷)، بزهکاری (کرافت و گریگایر^۲، ۱۹۵۶)، افسردگی (کوپراسمیت و پاترسن^۳، ۱۹۹۱)، عملکرد تحصیلی پایین و اجتناب از مدرسه (لد^۴، ۱۹۹۰)، مشکلات تحصیلی (دایشین^۵، ۱۹۹۰ به نقل از چن و رابین^۶، ۱۹۹۷) و حتی ترک مدرسه (کوهلن و کولیستر^۷، ۱۹۵۲)

¹. Northway & Wigdor

². Croft & Grygier

³. Kupersmidt & Patterson

⁴. Ladd

⁵. Dishion

⁶. Chen & Rubin

⁷. Kuhlen & Collister

شود. این پیامدهای منفی و گسترده، موجب شده است که برخی از پژوهشگران توجه خود را روی عواملی که با پذیرش اجتماعی مرتبط هستند، متمرکز نمایند. عمده تحقیقاتی که در این زمینه صورت گرفته است، ویژگیهای شخصیتی و مهارت‌های اجتماعی را مورد توجه قرار داده‌اند و مهارت‌های شناختی و تحصیلی کمتر مورد توجه بوده است. با وجود این، در تعدادی از پژوهش‌ها رابطه موفقیت‌های تحصیلی با پذیرش اجتماعی بررسی شده است. اما این پژوهش‌ها به نتایج متفاوتی منجر شده‌اند. سؤال اصلی که در این خصوص مطرح می‌شود، این است که آیا دانش‌آموزانی که از لحاظ درسی موفق هستند، از لحاظ شایستگی‌های اجتماعی نیز موفق هستند یا اینکه شایستگی‌های اجتماعی مستقل از استعداد تحصیلی است؟ به عبارت دیگر آیا موفقیت‌های تحصیلی دانش‌آموزان، میزان پذیرش اجتماعی آنان را افزایش می‌دهد یا اینکه موجب کاهش میزان محبوبیت و طرد آنها از طرف گروه همسالان می‌شود؟

برخی از پژوهشگران با انجام پژوهش‌هایی سعی کرده‌اند تا به این سؤال پاسخ دهند. ابزاری که معمولاً در این گونه پژوهش‌ها برای تعیین میزان پذیرش اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد، روش جامعه‌سنجی^۱ است. بونی^۲ (۱۹۵۵)، به نقل از بونی و هامپل من^۳ (۱۹۶۲)، دریافت دانش‌آموزانی که از نظر پایگاه جامعه‌سنجی و فعالیتهای اجتماعی در سطح بالا طبقه‌بندی شدند، نسبت به آنهایی که در سطح پایین طبقه‌بندی شدند، از لحاظ موفقیت تحصیلی در سطح بالاتری بودند. باس ول^۴ (۱۹۵۳) نیز با بررسی یک نمونه شامل ۲۸۶ کودک و یک گروه دیگر شامل ۳۲۱ کودک پایه پنجم نشان داد که میانگین پیشرفت دانش‌آموزان محبوب در آزمون‌های استاندارد به‌طور معناداری از میانگین پیشرفت دانش‌آموزان مطرود بالاتر است. استل، فارمر، کیرنز و کیرنز^۵ (۲۰۰۲) در یک پژوهش طولی رابطه بین روابط اجتماعی و موفقیت تحصیلی را تأیید کرده‌اند.

۱. sociometry

۲. Bonney

۳. Hampleman

۴. Buswell

۵. Estell, Farmer, Cairns & Cairns

و نتزل^۱ (۲۰۰۳) نیز نشان داده است که پایگاه جامعه‌سنجی با نمره‌های کلاسی مرتبط است. همچنین مارویاما، میلر و هولتز^۲ (۱۹۸۶)، داده‌های طولی حاصل از یک نمونه متشکل از ۱۳۸ سفیدپوست، ۴۴ آمریکایی مکزیکی و ۲۶ سیاهپوست را بررسی کردند. تحلیل‌ها نشان دادند که اعمال اجتماعی روی موفقیت تأثیر ندارند، بلکه برعکس موفقیت تحصیلی روی رفتارهای اجتماعی بعدی تأثیر می‌گذارد.

کائوس^۳ (۱۹۸۷) در یک نمونه از دانش‌آموزان مدارس متوسطه، یک همبستگی ۰/۱۶ را بین میانگین نمره‌های درسی و قضاوت‌های همسالان از محبوبیت گزارش کرده است. گرین، فورهند، بک و وسک^۴ (۱۹۸۰) نیز یک همبستگی ۰/۳۳ بین انتخابهای جامعه‌سنجی همسالان از بهترین دوست، و میانگین نمره‌های درسی در کودکان مدارس ابتدایی پیدا کرده‌اند. در پژوهشی دیگر، پلی جرینی^۵ (۱۹۸۵) یک همبستگی ۰/۳۸ بین پیشرفت تحصیلی و قضاوت‌های همسالان از جنبه‌های مثبت هدایت اجتماعی (مانند ویژگیهای رهبری) در کودکان مدارس ابتدایی را گزارش کرد. همچنین فورد و تیساک^۶ (۱۹۸۳) یک همبستگی مثبت ۰/۵۲ را بین انتخاب‌های همسالان از شایستگی اجتماعی و معدل نمره‌های درسی با کودکان مدارس متوسطه یافته‌اند. تعدادی دیگر از پژوهشگران نیز، همبستگی‌های مثبت معناداری بین شایستگی‌های اجتماعی و استعداد تحصیلی پیدا کرده‌اند (برای مثال کیتینگ^۷، ۱۹۷۸، والکر و فولی^۸، ۱۹۷۳).

1. Wentzel

2. Maruyama, Miller & Holtz

3. Cause

4. Green, Forehand, Beck & Vosk

5. Pelligrini

6. Ford & Tisak

7. Keating

8. Walker & Foley

توضیح ممکن برای این همبستگی‌های مثبت این است که شایستگی‌های اجتماعی و تحصیلی، شایستگی‌های کلی هستند که عنصر مشترکی دارند (لندشیر، معاسن، بیسچ و آدما^۱، ۱۹۹۸). فورد و تیساک (۱۹۸۳) بیان می‌کنند که اشکال مختلف رفتار اجتماعی حوزه مجزایی است، در حالی که شایستگی‌های اجتماعی شناختی، شباهت‌های بیشتری به شایستگی‌های تحصیلی دارند. کودکانی که توانایی استدلال بهتری دارند، در هر دو زمینه، موفقیت‌های اجتماعی پیچیده و حل مسائل تحصیلی وضعیت بهتری دارند. به اعتقاد فورد (۱۹۸۲)، شایستگی‌های اجتماعی بالاتر ممکن است از طریق توانایی‌های شناختی بهتر برای انتخاب هدفهای اجتماعی و تعیین چگونگی رسیدن به این هدفها توضیح داده شوند.

با وجود این، برخی دیگر از پژوهش‌ها، نشان‌دهنده وجود نداشتن رابطه خطی بین موفقیت تحصیلی و پذیرش اجتماعی هستند. نیسر^۲ (۱۹۷۶) اظهار کرد که «افراد با استعداد از لحاظ تحصیلی، اغلب احمقانه رفتار می‌کنند. شواهد موجود نشان نمی‌دهند که آنها از افراد غیرباهوش موفق‌تر باشند» (نیسر، ص ۱۳۹). تحقیقات نشان می‌دهند کودکان باهوش که به یک سطح واقعی می‌رسند ترجیح می‌دهند که در گروه همسالان موقعیتی داشته باشند، اما کودک خیلی موفق ممکن است موقعیت کمتر مطمئنی در گروه همسالانش داشته باشد (هارتاپ^۳، ۱۹۷۰). لندشیر و همکاران (۱۹۹۸) بین موفقیت تحصیلی در علوم (فیزیک و ریاضیات) و شایستگی‌های اجتماعی، یک همبستگی منفی پیدا کرده است. گروسمن و رایتر^۴ (۱۹۴۸) نیز در میان دانش‌آموزان پایه ششم، دریافتند که موفقیت خواندن زیر سطح متوسط با پایگاه جامعه‌سنجی پایین رابطه دارد. اما موفقیت خواندن بالاتر تأثیری در پایگاه جامعه‌سنجی نداشته است.

^۱. Land sheer, Maassen, Bisschop & Adema

^۲. Neisser

^۳. Hartup

^۴. Grossman & Wrighter

بنابراین بعضی از پژوهش‌ها نشان‌دهنده رابطه خطی بین نمره‌های درسی و محبوبیت و دسته‌ای دیگر بیانگر مستقل بودن یا غیرخطی بودن رابطه بین این دو متغیر هستند. لندشیر و همکاران (۱۹۹۸) بیان می‌کنند که دو نظریه شایستگی وجود دارد: نظریه شایستگی کلی که همبستگی مثبت را بین نمره‌های درسی و محبوبیت پیش‌بینی می‌کند و نظریه «خیلی موفق» که رابطه غیرخطی را پیش‌بینی می‌کند. منظور از نظریه «خیلی موفق» این است که موفقیت تحصیلی در حد متوسط با محبوبیت ارتباط دارد. اما موفقیت تحصیلی خیلی زیاد موجب بالا رفتن میزان محبوبیت فرد نمی‌شود.

پژوهش حاضر نیز کوششی است برای پاسخ به سؤالاتی که در زمینه رابطه بین محبوبیت و پیشرفت تحصیلی مطرح می‌باشد. بدیهی است که پاسخ به این سؤالات کاربردهای عملی و تربیتی فراوانی دارد. اگر به پیامدهای منفی طرد همسالان و همچنین اهمیت روابط اجتماعی در رشد دانش‌آموزان توجه داشته باشیم، اهمیت چنین پژوهش‌هایی بیشتر روشن خواهد شد. با توجه به اینکه پذیرش اجتماعی خصوصیت مهم و مطلوبی تلقی می‌شود، معلمان و والدین باید بدانند که چه عواملی بعضی از کودکان را نسبت به بعضی دیگر قابل پذیرش‌تر می‌سازد. تنها زمانی می‌توان به دانش‌آموزان طرد شده کمک مؤثری کرد که علل انزوای آنها و عوامل مرتبط با آن به خوبی فهمیده شوند. از این طریق می‌توان بینش بهتری نیز راجع به چگونگی آموزش‌های لازم به کودکان کسب کرد.

روش

برای انجام این تحقیق، از روش توصیفی - مقایسه‌ای استفاده شده است. جامعه تحقیق، کلیه دانش‌آموزان پسر پایه سوم راهنمایی ناحیه ۲ شهر شیراز بوده است. حجم نمونه با توجه به پژوهش‌های مشابه قبلی تعیین شده بود. از بین مدارس راهنمایی پسرانه واقع در این ناحیه، تعداد چهار مدرسه از طریق روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب و دانش‌آموزان کلاس‌های سوم راهنمایی این مدارس (۴۹۰ نفر) به عنوان نمونه برگزیده شدند. دانش‌آموزان مشارکت‌کننده به یک آزمون جامعه‌سنجی پاسخ دادند.

ملاک انتخاب دانش‌آموزان منزوی این بود که آنها را هیچ‌کدام از همکلاسی‌ها انتخاب نکردند. بر این اساس تمام دانش‌آموزانی که هیچ فردی آنها را انتخاب نکرده بود، به‌عنوان افراد منزوی تعیین شدند ($n=36$). به‌منظور داشتن تعداد مساوی برای مقایسه، ۳۶ نفر نیز از دانش‌آموزانی که دارای بالاترین پایگاه جامعه‌سنجی بودند و همکلاسی‌های بیشتری انتخاب کرده بودند، به‌عنوان گروه محبوب تعیین شدند. دانش‌آموزان محبوب را حداقل یک چهارم همکلاسی‌ها انتخاب کرده بودند. دامنه سنی مشارکت‌کنندگان از ۱۴ سال و ۳ ماه تا ۱۶ سال و ۱ ماه بود. ۴۱/۶۶ درصد دانش‌آموزان محبوب و ۳۶/۱۱ درصد دانش‌آموزان منزوی والدین (پدر یا مادر) دیپلم و بالاتر داشتند.

برای شناسایی دانش‌آموزان محبوب و دانش‌آموزان منزوی (مطرود) از روش جامعه‌سنجی استفاده شده است. از کلیه مشارکت‌کنندگان سؤال کتبی زیر پرسیده شد: برای یک بازی دو نفره با توپ در حیاط مدرسه یا برای یک گردش دو نفره در یک پارک، کدام یک از افراد کلاس را انتخاب می‌کنید؟

مورنو واژه جامعه‌سنجی را وضع کرده است. مورنو^۱ (۱۹۵۳)، جامعه‌سنجی یا گروه‌سنجی را به‌صورت «مطالعه کمی خصوصیات روان‌شناسی گروه با استفاده از روشهای آزمایشی و روشهای کمی» تعریف کرده است (ص ۱۵). روشهای مورد استفاده در جامعه‌سنجی ساده و مشخص هستند. در اغلب موارد از اعضای یک گروه کوچک که همدیگر را می‌شناسند، خواسته می‌شود تا برای یک یا چند منظور (بازی، گردش، درس خواندن، هم‌تاقی شدن، رهبر،...) فردی را که ترجیح می‌دهند به‌صورت محرمانه انتخاب کنند.

روایی روشهای جامعه‌سنجی در پژوهش‌های بیرد^۲ (۱۹۴۶)، به نقل از نورث‌وی، (۱۹۶۷) در گروههای کودکان، ونزلیست^۳ (۱۹۵۲) در گروههای تولیدی کارگری،

¹-Moreno

². Byrd

³. Vanzelest

اسپرینگر^۱ (۱۹۵۳) در فعالیتهای شغلی و راک و هی^۲ (۱۹۵۳) در انتخاب رهبر نشان داده شده است. همچنین پایایی قابل قبول این روشها را ورتیمر^۳ (۱۹۵۷)، وو، هارت، دراپر و اولسن^۴ (۲۰۰۱) و جیانگ و کیله‌سن^۵ (۲۰۰۵) تأیید شده است.

پرسشنامه‌ها به صورت گروهی در کلاس‌ها توزیع شدند. به دانش‌آموزان در مورد سؤال کتبی توضیحات لازم داده شد و از آنها خواسته شد تا پاسخ‌های خود را به صورت محرمانه بنویسند. به آزمودنی‌ها اطمینان داده شد که جواب‌های آنها کاملاً محرمانه خواهد ماند و تنها در اختیار پژوهشگر قرار خواهند گرفت. پرسشنامه‌های تکمیل شده دانش‌آموزان هر کلاس به صورت جداگانه بررسی شد و افراد دو گروه محبوب و منزوی به روشی که گفته شد، انتخاب شدند. سپس میانگین کل نمره‌های سالهای قبل (اول و دوم راهنمایی) افراد دو گروه (محبوب و منزوی) از روی کارنامه‌های تحصیلی آنها، یادداشت شد. شاخص پیشرفت تحصیلی عبارت بود از میانگین مرکب معدل کل نمره‌های درسی سالهای اول و دوم راهنمایی مشارکت‌کنندگان.

نتایج

از روشهای آمار توصیفی برای محاسبه میانگین و انحراف معیار نمره‌های درسی دو گروه دانش‌آموزان محبوب و منزوی و از آزمون تی مستقل برای مقایسه میانگین نمره‌های درسی دو گروه استفاده شد.

نتایج مقایسه میانگین نمره‌های درسی دو گروه در جدول زیر خلاصه شده است:

۱. Spriger

۲. Rock & Hay

۳. Wertheimer

۴. Wu, Hart, Draper & Olsen

۵. Jiang & Cillessen

جدول ۱- مقایسه میانگین نمره‌های درسی دانش‌آموزان محبوب و منزوی

گروهها	تعداد	میانگین نمره‌ها	انحراف معیار	درجه آزادی	ارزش t	سطح معناداری
محبوب	۳۶	۱۶/۲۵	۲/۳۵	۷۰	۶/۰۴	P</0.01
منزوی	۳۶	۱۳/۱۷	۱/۹۸			

نتایج نشان می‌دهند که میانگین نمره‌های درسی دانش‌آموزان محبوب به‌طور معناداری از میانگین نمره‌های درسی دانش‌آموزان منزوی بیشتر است ($P < 0.01$).

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که میانگین نمره‌های درسی دانش‌آموزان محبوب به‌طور معناداری از میانگین نمره‌های درسی دانش‌آموزان منزوی بالاتر است. این نتایج تأیید می‌کنند که افراد موفق از لحاظ پیشرفت تحصیلی، افراد محبوبی در میان همسالان خود هستند. به‌عبارت دیگر پیشرفت تحصیلی از عوامل محبوبیت محسوب می‌شود و در پذیرش اجتماعی نقش دارد.

یافته‌های این پژوهش همسو با یافته‌های پژوهش‌های بونی (۱۹۵۵)، باس و (۱۹۵۳) استل و همکاران (۲۰۰۲) و نزل (۲۰۰۳) مارویاما و همکاران (۱۹۸۶) کیتینگ (۱۹۷۸) والکر و فولی (۱۹۷۳) کائوس (۱۹۸۷) گرین و همکاران (۱۹۸۰) پلی‌جرینی (۱۹۸۵) وفورد و تیسک (۱۹۸۳) می‌باشد. اما با نتایج پژوهش‌های لندشیر و همکاران (۱۹۹۸) و گروسمن و رایتر (۱۹۴۸) مغایر است.

لندشیر و همکاران (۱۹۹۸) وجود همبستگی‌های مثبت و منفی پیدا شده در تحقیقات گوناگون را دلیلی بر مستقل بودن شایستگی اجتماعی و شایستگی تحصیلی می‌دانند. وی همبستگی بسیار بالا و مثبت (۰/۵۲) که وفورد و تیسک گزارش کردند را ناشی از نقش بزرگسالان (والدین و معلمان) می‌داند. به اعتقاد آنها نوجوانانی که به‌طور جدی خودشان را برای زندگی اجتماعی آینده آماده می‌کنند، در مدرسه نیز به سختی

کار می‌کنند و بیشتر والدین و معلمان آنان را حمایت و تشویق می‌کنند. این پژوهشگران نتیجه می‌گیرند جایی که نقش اجتماعی بزرگسالان درگیر است، همبستگی مثبت بین موفقیت تحصیلی و قضاوت در مورد شایستگی اجتماعی مورد انتظار است. اما اگر هدایت اجتماعی به تماس‌ها با همسالان مربوط باشد، همبستگی منفی مورد انتظار است.

نتایج به‌دست آمده از پژوهش حاضر نشان می‌دهند که پیشرفت تحصیلی و پذیرش اجتماعی مستقل از یکدیگر نیستند و دانش‌آموزان برای انتخاب همبازی یا همراه برای به‌گرددش رفتن، شایستگی‌های تحصیلی را هم جزو ملاک‌ها قرار می‌دهند. دانش‌آموزانی که از لحاظ درسی ضعیف هستند شانس کمتری برای انتخاب دارند. نکته قابل توجه اینکه در این تحقیق از دانش‌آموزان خواسته شد تا برای فعالیت‌های مشترک غیرمرتبط با درس (بازی و گردش) همراه انتخاب نمایند. اما چنانکه مشاهده شد، دانش‌آموزانی که بیشتر از دیگران انتخاب شدند (دانش‌آموزان محبوب)، دانش‌آموزانی بودند که از لحاظ درسی نیز در سطح بالایی بوده‌اند. شاید اهمیت این نتایج از لحاظ کاربردی، بیشتر در مورد دانش‌آموزان منزوی باشد. دانش‌آموزان منزوی مشکلات زیادی را تجربه می‌کنند. مشکلات روانی، اجتماعی، تحصیلی و رفتاری، از جمله پیامدهای نامطلوب انزوای دانش‌آموزان است. این کودکان نه تنها برای خود بلکه برای مدرسه و معلمان نیز مشکلاتی را به بار می‌آورند. بعضی از این کودکان آرزو دارند که دیگران آنها را بپذیرند و بعضی دیگر چنین علاقه‌ای ندارند. در هر دو حالت، این کودکان در کلاس درس ناسازگاری‌هایی را نشان می‌دهند و ممکن است در گروه‌های دیگر نیز ناسازگار باشند. براساس یافته‌های این پژوهش یکی از راه‌هایی که می‌توان به این دانش‌آموزان کمک کرد، آموزش مهارت‌های تحصیلی و توجه به پیشرفت تحصیلی آنها است. و این از وظایف مشترک والدین و معلمان است.

لازم به ذکر است که این پژوهش، در مدارس پسرانه صورت گرفته است و ممکن است نتایج آن قابل تعمیم به دختران دانش‌آموز نباشد. همچنین در پژوهش حاضر تنها متغیر پیشرفت تحصیلی مورد بررسی قرار گرفته است و سایر متغیرهایی که

ممکن است دارای اهمیت داشته باشند، مورد توجه نبوده‌اند. بنابراین توصیه می‌شود که تحقیق مشابهی در مدارس دخترانه صورت گیرد. همچنین به پژوهشگران علاقه‌مند پیشنهاد می‌شود که برای درک جامع‌تر و کسب بینش بهتر در مورد عوامل مرتبط با پذیرش اجتماعی دانش‌آموزان، متغیرهای دیگر را نیز مورد بررسی قرار دهند.

منابع

- Bonney, M.E., & Hampleman, R.S. (1962). *Personal-social evaluation techniques*, Washington: Center for Applied Research in Education.
- Buswell, M.M. (1953). The relationship between the social structure of the classroom and academic success of the pupils. *Journal of Experimental Education*, 22, 37-52.
- Cauce, A.M. (1987). School and peer competence in early adolescence: A test of domain specific self-perceived competence. *Developmental psychology*, 23(2), 287-291.
- Chen, X., & Rubin, K.H. (1997). Relation between academic achievement and social adjustment. Evidence from Chinese children. *Developmental Psychology*, 33(9), 518-527.
- Croft, I.J., & Grygier, T.G. (1956). Social relationships of truants and juvenile delinquents. *Human Relations*, 9(4), 439-466. Sage JOURNALS online DOI: 10.1177/001872675600900404
- Estell, D.B. Farmer, T.W., Cairns, R.B., & Cairns, B.D. (2002). Social relations and academic achievement in inner-city early elementary classrooms. *International Journal of Behavioral Development*, 26(6), 518-528.
- Ford, M.E. (1982). Social cognition and social competence in adolescence. *Developmental Psychology*, 18(3), 323-324

- Ford, M.E., & Tisak, M.S. (1983). A further search for social intelligence. *Journal of Educational Psychology*, 75, 196-206.
- Green, K.D., Forehand, R., Beck, S.J., & Vosk, B. (1980). An assessment of the relationship among measures of children's social competence and children's academic achievement. *Child Development*, 51(4), 1149-1159.
- Grossman, B. & Wrighter, T. (1948). The relationship between selection-rejection and intelligence social status, and personality among sixth-grade children. *Sociometry*, 11, 346-355.
- Hartup, W.W. (1970). Peer interaction and social organization. In P.H. Massen (Ed.), *Carmichaels manual of child Psychology* (3rd ed, vol 2, PP 361-457). New York: Wiley.
- Jiang, X.L., & Cillessen, A.H.N. (2005). Stability and Continuous-measures of sociometric status: A meta-analysis. *Developmental Review*, 25(1), 1-25.
- Keating, D.P. (1978). A search for social intelligence. *Journal of Educational Psychology*, 70(2), 218-223.
- Kuhlen, R.G., & Collister, E.G. (1952). Sociometric status of sixth- and ninth graders who fail to finish high school. *Educational and Psychological Measurement*, 12(4), 632-637. DOI:10.1177/0013164452012001409
- Kupersmidet, J.B., & Patterson, C.J. (1991). Childhood peer rejection, aggression, withdrawal, and perceived competence as predictors of self-reported behavior problems in preadolescence. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 19(4), Springer Netherlands DOI:10.1007/BF00919087
- Ladd, G.W. (1990). Predictors of children's early school adjustment? *Child Development*, 61, 1081-1100.
- Landshere, H.A., Maassen, G.H., Bisschop, P., & Adema, L. (1998). Can higher grades result in fewer friends? A reexamination of the relationship between academic and social competence. *Adolescence*, 33(129), 185-191.

- Marayama, G., Miller, N., & Holtz, R. (1986). The relation between popularity and achievement: A longitudinal test of the later transmission of value hypothesis. *Journal of Personality & Social Psychology*, 51(4),730-741.
- Moreno, J.L. (1953). *Who shal survive?* (2th ed). Beacon, New York: Beacon House.
- Neisser, U. (1976). general, academie and artificial intelligence. in L.b. resnick(Ed.), *the nature of intelligence* (pp.135-144). hillsdle, NJ:Lawrennce Erlbaum Associates.
- Northway, M.L. (1967). *A primer of sociometry*. Torento:University of Torento Press.
- Northway, M.L., & Wigdor, B.T. (1947). Roshach patterns related to sociometric status of school childrens. *Sociometry*, 10,180-199.
- Pelligrini, D.S. (1985). Social cognition and competence in middle childhood.*Child Development*, 56,253-264.
- Rock, M.I., & Hay, E.N. (1953). Investigation of the use of tests as a predictor of leadership and group effectiveness in a job evaluation situation.*Journal of Social Psychology*,38,109-119.
- Spriger, D. (1953). Ratings of candidats for permotion by co-workers and supervisor.*Journal of Applid Psychology*, 5,175-186.
- Vanzelst, R.H. (1952). Sociometrically selected work teams increase production. *Personel Psychology*, 5,175-186.
- Walker, R.E., & Foley, T.M. (1973). Social intelligence: Its history and measure ment. *Psychologycal Reports*, 33,839-864.
- Wentzel, K.R. (2003). Sociometric status and adjastment in middle school: A longitudinal study. *Journal of Early Adolescence*, 23(1),5-28.

Wertheimer, R.R. (1957). Consistency of sociometric status position in male and female high school students. *Journal of Educational Psychology*, 48(7),385-390. Retrieved January 10,2009, from psycARTICLES database.

Wu, X., Hart, C. H., Draper, T.W., & Olsen, J.A. (2001). Peer and teacher sociometrics for preschool children: Cross-informant concordance, temporal stability and reliability, and validity. *Merrill Palmer Quarterly*, 47(3), 416-443. DOI10.1353/mpq.2001.0018



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

A Comparison of Academic Achievement in Popular and Isolated Students

Masoud salimi. Ph.D.

Abstract

The purpose of this study was to compare academic achievement of popular students with those who are isolated. For this purpose, 4 secondary schools in Shiraz were selected by cluster random sampling method. Given the grade three students of selected schools (including 490 boys), a sociometric test, they were asked to choose the person to whom they would like to play or go picnic in a park. Selected 36 students who had the lowest status of sociometric as isolated group and 36 students who had the highest status of sociometric as popular group. The criterion of academic achievement was the average of the students' scores in grade one and two. The average of two groups were compared by independent t test. The results showed that the academic scores mean of popular students is significantly higher than the isolated ones ($P < 0.001$). This result indicates that academic competences and social competences are not independent and by increasing academic skills of isolated students, they may increase their social acceptance.

Key words: popular students, isolated students, sociometry, social acceptance.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی